

عرب‌ها و رویارویی با اسرائیل (احتمالات آینده)

ابراهیم ابولفند ... [وآخ]، العرب و مواجهة اسرائیل: احتمالات المستقبل، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۰۰، ج ۲، ۱۷۵۵ صفحه.

دکتر محبوب الزوبری
محقق مسایل خاورمیانه
امان، اردن

مرکز تحقیقات وحدت عربی در سال ۱۹۹۹ میلادی، سمیناری با عنوان «عرب‌ها و رویارویی با اسرائیل: احتمالات آینده، به سوی یک استراتژی و برنامه» برگزار کرد. در این سمینار که از دهم تا دوازدهم ماه مارس برگزار شد، ۸۶ شرکت کننده حضور داشتند. محورهای اصلی این سمینار عبارت است از: نخست، به پیشینه تاریخی این رویارویی میان عرب‌ها و اسرائیل که به دوران رقابتهای استعماری باز می‌گردد. (جورج جبور) دوم، توافقهایی میان بعضی از کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی و تعهداتی که باید این دولتها انجام دهند،

سوم، به تواناییها و استعدادهای دولت اسرائیل و احتمالات آینده که، عناصر این تواناییها عبارتند از: الف. تواناییهای ایدئولوژیک و هویت فرهنگی اسرائیل و اینکه چگونه با این رویارویی مواجه می‌شود؛ (عبدالوهاب المسیری) ب. تواناییهای اقتصادی اسرائیل؛ (یوسف صایغ) ج. تواناییهای انسانی و تکنولوژیک؛ (انطوان زحلان) د. تواناییهای نظامی؛ (محمود عزمی) چهارم، تواناییهای عربی و احتمالات آینده، این استعدادها عبارتند از: الف. امکانات ایدئولوژی عربی؛ (علی محافظه) ب. تواناییهای اقتصادی؛ (طاهر کنعان) ج. تواناییهای انسانی و تکنولوژیک؛ (نادر فرجانی) د. تواناییهای نظامی؛ (طلعت مسلم) هـ. تواناییهای سیاسی؛ (عدنان السید حسین) پنجم، تواناییهای فلسطینی و احتمالات آینده که عبارتند از: الف. مردم فلسطین؛ (ابراهیم ابولفند) ب. سرزمین فلسطین؛ (خالد عاید) ج. مقاومت فلسطینی؛ (محمد خالد الازعر) د. حکومت خودگردان؛ (علی الجرباوی) ششم، ابعاد بین‌المللی درگیریها و توافقنامه‌ها میان عرب‌ها و اسرائیل که عبارتند از:

به ویژه غربی- بر کشورهای عربی اشاره می‌کند که نتیجه آن، تأمین امنیت اسرائیل و بی‌ثباتی کشورهای عربی است. وی تأکید می‌کند که غرب، بدون حضور فعال سیاسی و نظامی اسرائیل در منطقه نمی‌تواند در شرایط امروزی منافع خود را حفظ کند و براساس همین حقیقت از سیاستهای اسرائیل و تجاوز آن دفاع می‌کند.

دکتر مجدی حماد و دکتر یحیی جمل به موضوع پیمان نامه‌های میان اسرائیل و برخی از کشورهای عربی می‌پردازند و اشاره می‌کنند که تجربه پیمان نامه‌های پیشین نشان می‌دهد که تنها منافع اسرائیل در نظر گرفته شده و در نتیجه، منافع کشورهای اروپایی و آمریکا و شرایط سنگین قانونی به کشورهای عربی تحمیل شده است که بدون شک، پیامدهای سیاسی و اجتماعی منفی در پی خواهد داشت. البته، دلیل اصلی آن این است که رژیمهای حاکم در جهان عرب از پشتیبانی مردمی برخوردار نبوده، برای محافظت از خود به غرب متوسل می‌شوند و بر این اساس به ناچار فشارهای غربی را می‌پذیرند.

امکانات ایدئولوژیک، اقتصادی،

۱. درگیری میان عرب‌ها و اسرائیل و جایگاه آن در نظام بین‌المللی؛ (فؤاد مغربی)

۲. مدیریت عربی برای جذب استعدادها بین‌المللی؛ (ناصر حتی) ۳. مدیریت اسرائیل برای جذب استعدادها بین‌المللی؛ (نصیر عاروری) ۴. مشکلات روشی در حل بحران خاورمیانه (محمد سید احمد)

دکتر وجیه جبور در مقاله خود با عنوان «درسهایی از تجربه‌های تاریخی» می‌کوشد تاریخچه صهیونیسم و شرایط زمانی که در آن رشد کرده است را بیان کند. همچنین، ارتباط میان آن و استعمارگران را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. وی معتقد است که صهیونیسم، پدیده‌ای بی‌مانند در تاریخ معاصر است. بنابراین، باید با احتیاط و تجربه و شناخت کافی با آن روبه‌رو شد و شرایط جهانی امروز و تحولات سریع آن را نیز در نظر گرفت. مقاله دوم، با عنوان «غرب و جنگ میان اعراب و اسرائیل» توسط دکتر کلوفیس مقصود ارایه شده است. وی ارتباط میان غرب و اسرائیل و تأثیر آن بر تحولات فلسطین را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. همچنین به فشارهای بین‌المللی-

نظامی و فن آوری، موضوع مقاله هایی است که توسط دکتر عبدالوهاب المسیری، دکتر یوسف صایغ و دکتر انطوان زحلان ارایه شده است. دکتر المسیری، اسباب پیدایش صهیونیسم، ویژگیهای آن و توافق میان صهیونیست ها را مورد بررسی قرار داده است. همچنین با توجه به بعد ایدئولوژیک و بنیادگرایی یهودی تأکید می کند که دولت اسرائیل، دولتی است که از تناقضها بهره کافی گرفته و از شرایط بین المللی به نفع خود استفاده می کند تا موقعیت و جایگاه خود را در منطقه قویتر سازد. براین اساس وی تأکید می کند آنها موفقیت زیادی را به دست آوردند، اما تا چه اندازه و چگونه می توانند این موفقیتها را حفظ کنند، پرسشی است که آینده پاسخ آن را خواهد داد. المسیری تأکید می کند که ایدئولوژی صهیونیسم در حال ثبات است، اما این احتمال وجود دارد که برخی استراتژیهای نیل به این هدف تغییر یابد. مثال این انتقال از حالت جنگ و دشمنی با عرب ها به حالت صلح و روابط همه جانبه است؛ زیرا اسرائیل اگر نتواند صلح را محقق سازد، جنگ نیز نمی تواند دستاوردهای قبلی را حفظ نماید.

دکتر یوسف صایغ، موضوع امکانات اقتصادی اسرائیل را بررسی می کند. وی دو نوع امکانات را مورد توجه قرار می دهد: نخست، امکانات داخلی که نیازهای سرزمینهای اشغالی را تأمین می کند، مانند آب و زمین و دوم، امکانات خارجی که به وسیله کشورهای اروپایی و آمریکا تأمین می شود. بدون شک امکانات اقتصادی اسرائیل، نقش تعیین کننده ای در ثبات اسرائیل ایفا کرده است؛ به ویژه برای جذب مهاجرانی که به دنبال زندگی بهتر بودند. اسرائیل می تواند برای یهودیان اروپایی شرقی یا آفریقایی - که علت اصلی مهاجرتشان دست یابی به زندگی بهتر بوده - زندگی و امکانات اقتصادی خوبی فراهم کند. دکتر صایغ، سیاستهای اقتصادی اسرائیل را نیز مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است که اسرائیل در زمینه اقتصادی به گونه ای سیاست گذاری می کند که ضمن فراهم آوردن منابع جدید، سیاستهای کلان اسرائیل را نیز تأمین کند. در حقیقت، اقتصاد در خدمت قدرت نظامی است که در آینده به صورت یک منبع درآمد ملی برای اسرائیل فعالیت نماید. وی

همچنین تأکید می‌کند پیشنهاد پرز، وزیر امور خارجه اسرائیل که خاورمیانه جدید نامیده شده، در چارچوب کلی سیاست اقتصادی اسرائیل بوده است. در این مقاله، بخشهای اقتصادی مانند صنعت و کشاورزی که از فن آوری جدید برای افزایش بهره‌وری و ازدیاد درآمد ملی اسرائیل استفاده می‌کنند، مورد بررسی قرار گرفته است.

«توانایی تکنولوژیک و نیروی انسانی اسرائیل»، مقاله‌ای است که توسط انطوان زحلان ارائه شده است. وی موارد انسانی و علمی اسرائیل را با در نظر گرفتن مهاجرت ۷۰۰ هزار روسی به اسرائیل و پایه‌های اصلی اسرائیل در زمینه علم و فرهنگ مورد بررسی قرار می‌دهد. نیروی حرفه‌ای کار در اسرائیل که ابزاری برای پیاده کردن برنامه‌های علمی و فرهنگی آن به شمار می‌آید، از دو طریق تأمین می‌شود: الف. تحصیل در دانشگاهها و مراکز دانشگاهی اسرائیل؛ ب. مهاجرت متخصصان و دانش‌آموختگان یهودی از کشورهای مختلف به اسرائیل. یکی از نکات جالب توجه این است که اسرائیل، بعد از آمریکا از نظر تخصیص بودجه برای امر آموزش در مقام

دوم قرار دارد. این دولت ۸٫۳ درصد از درآمد ملی خود را برای آموزش ابتدایی و متوسطه هزینه می‌کند و ۱٫۸ درصد را برای آموزش عالی. در این قسمت به همکاری میان آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز اشاره شده است. آنها یک موسسه پژوهشی با سرمایه ۶۰ میلیون دلاری (US-Israel Binational Industrial Research and Development)

تأسیس کردند. هدف اصلی این موسسه، کمک به طرحهای بزرگ صنعتی و تکنولوژیک است. با وجود این همکاری، توانایی تکنولوژیک اسرائیل افزایش می‌یابد. علاوه بر این، آمریکا صنایع و کالاهای اسرائیل را مورد حمایت قرار می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر این است که اسرائیل با استفاده از نیروی کار عربی توانایی خود را افزایش می‌دهد که این مسئله بر سیطره اقتصادی اسرائیل در منطقه می‌افزاید. اسرائیل موفق شده است با تأسیس شرکتهای بزرگ، سازمانهای فعال صنعتی و استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک در عرصه بین‌المللی خود را مطرح سازد. برای اثبات این گفته می‌توان به درآمد کلی اسرائیل که

در سال ۱۹۹۷، ۹۸ میلیارد دلار بود؛ یعنی، ۲۰ درصد درآمد کل کشورهای عربی، اشاره کرد. از شروع طرح صلح اسلو، سرمایه‌گذاری در اسرائیل از ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ به ۳٫۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. این نکات نشان می‌دهد که اسرائیل در ۵۰ سال آینده، خطری بزرگ و جدی برای اقتصاد جهان عرب خواهد بود و اگر کشورهای عربی برای خروج از این بحران و عقب‌ماندگی تکنولوژیک برنامه‌ریزی نکنند، اسرائیل موفق خواهد شد از پول و امکانات عرب یک امپراتوری اقتصادی تأسیس کند. فصل نهم کتاب به امکانات نظامی اسرائیل اختصاص یافته است. محمود عزمی (کارشناسی استراتژی از مصر) موضوعاتی مانند ایدئولوژی نظامی اسرائیل، تأثیر این ایدئولوژی در تجهیز و تاکتیک نظامی، علایمی از پیشرفت ایدئولوژی نظامی نیروهای زمینی در اسرائیل، نیروهای هوایی، نیروها و تجهیزات دریایی، توانایی هسته‌ای و سرانجام، سیاست هسته‌ای اسرائیل و چگونگی استفاده از آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. نویسنده

تأکید می‌کند که اسرائیل همواره می‌کوشید سطح اقتدار نظامی خود را بالا ببرد و خود را به عنوان قدرت برتر منطقه معرفی کند. همان مسئله موجب شد که کشورهای غربی و آمریکا فشارهای زیادی را بر کشورهای عربی اعمال کنند و آنها را از اسرائیل بترسانند و به طور کلی در مورد جنگ منطقه‌ای هشدار دهند. نکته قابل توجه این است که توانایی نظامی اسرائیل و پیش‌بینی درباره آن بسیار دشوار است؛ زیرا اسرائیل و حتی قدرتهای بزرگ مانند آمریکا اجازه نمی‌دهند که اطلاعات فاش شود و این، مشکل بزرگ جهان عرب در مقابله با توانایی اسرائیل است. افزون بر آن این فصل بر سه نکته تأکید دارد که عبارت است از:

۱. مقابله نظامی با اسرائیل، مقابله با جامعه مسلح و آموزش دیده است، که این مسئله موجب می‌شود کشورهای عربی و اسرائیل نظامی‌گری را جدی تلقی کنند و برنامه‌های نظامی برای مقابله با آن برنامه‌ریزی نمایند.
۲. سلاحهای غیر متعارف در اسرائیل، سلاح‌بازدارنده برای مقابله با جهان عرب و اسلام است که اسرائیل، گستره جغرافیایی برای استفاده از

آن را ندارد. همچنین اجازه استفاده از آن سلاحها به اسرائیل داده نمی شود؛ زیرا به جنگ جهانی منجر خواهد شد. ۳. وجود اسرائیل و توانایی نظامی آن بدون کمک خارجی، حتی با وجود صنایع نظامی در اسرائیل، تداوم نمی یابد. بنابراین، عامل خارجی در هر مقابله نظامی تعیین کننده خواهد بود. فصل دهم به امکانات ایدئولوژی عربی پرداخته است. نویسنده در این قسمت می کوشد محورهایی چون، مقابله دولتهای عربی با اسرائیل، جنبش قومیت عربی و مقابله با اسرائیل، جنبش اسلام گرایان و نزاع با اسرائیل و احزاب کمونیستی و مواضع آنها در برابر اسرائیل را بررسی کند. بررسی محورهای قبل نشان می دهد که در جهان عرب، چهار گفتمان اصلی در مقابله با اسرائیل وجود داشته است: ۱. گفتمان کشوری (حکومتهای هم مرز با اسرائیل)؛ ۲. گفتمان ملی (براساس مفهوم قومیت عربی)؛ ۳. گفتمان اسلامی (اخوان المسلمین، حزب التحریر الاسلامی)؛ ۴. گفتمان کمونیستی (نماینده آن احزاب کمونیست که طرفدار شوروی سابق هستند). در این زمینه

نویسنده امکانات هر گفتم و گویی را ارزیابی می کند. وی معتقد است اسرائیل از گفتمان کشوری استفاده بی نظیری کرده و توانسته است خود را به عنوان قدرت بزرگ منطقه معرفی کند. از سوی دیگر، کشورهای عربی به جای اینکه برای خروج از وضعیت کنونی بکوشند، منطق منطقه ای و کشوری را تحکیم می کنند که بی تردید تأثیرات خارجی در این مجال بی تأثیر نبوده است. واکنش علیه این وضعیت، موج اسلام گرایی و قومیت گرایی عربی بوده است. تلقی این دو گفتمان را می توان در یک جمله خلاصه کرد: اسرائیل یک خطر سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی برای همه چه عربها و چه مسلمانان است. بنابراین، باید دست به دست هم داده، با آن مقابله کرد؛ زیرا یک کشور نمی تواند این مهم را به تنهایی انجام دهد. در این فصل، تجربیاتی مانند تجربه جمال عبدالناصر، تجربه اخوان المسلمین، حزب التحریر و احزاب کمونیست، جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. فصل یازدهم به موضوع امکانات اقتصادی در جهان عرب اختصاص یافته است. در این فصل بر دو نکته مهم تأکید می شود: لازمه

میسر نخواهد بود. در این فصل، بر اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، تسهیلات گمرکی و مبادله کالا میان کشورهای عربی تأکید شده که متأسفانه هنوز کشورهای عربی در مورد این مسایل به توافق مهمی نرسیده‌اند.

امکانات انسانی و تکنولوژیک در جهان عرب، موضوع فصل دوازدهم است. عواملی چون جمعیت و رشد آن، آموزش و انباشته شدن سرمایه انسانی و تکنولوژی و استفاده جهان عرب از آن، مورد بررسی قرار گرفته و با امکانات تکنولوژیک و نیروی انسانی اسرائیل مقایسه می‌شود که بی‌تردید از لحاظ کمی و کیفی، بهتر از امکانات جهان عرب است. در فصل سیزدهم که امکانات نظامی عربی بررسی شده، موضوعاتی چون امنیت حکومتی (State)، نظریات رایج درباره آن، تلاش حکومت‌های عربی برای کسب قدرت نظامی و ارتقای آن در جهان عرب در اواخر سده بیستم، سیاست تجهیز نظامی در کشورهای عربی، وارد کردن سلاح و صنایع نظامی در جهان عرب، رشد این صنایع و مشکلات آن، امکانات هسته‌ای در جهان عرب و سرانجام،

هر دولت قدرتمند، نخست؛ اقتصاد قوی است که بدون آن نمی‌تواند از قدرت سیاسی و اجتماعی خود دفاع کند. دوم؛ بدون اقتصاد مستقل و قدرتمند، مشکلات جهان عرب افزایش می‌یابد، زیرا فشارهای بین‌المللی، به وسیله طرح‌های اقتصادی بر عرب‌ها اعمال می‌شود. بنابراین، کشورهای عربی باید طرح‌های اقتصادی متعددی داشته باشند و از منابع طبیعی خود به صورت بهینه استفاده کنند. نویسنده تأکید می‌کند جامعه امروز عربی به توسعه اقتصادی نیاز دارد که این توسعه منوط به استقلال سیاسی است. در جوامع عربی، توسعه سیاسی ضروری است و بدون آن توسعه اقتصادی محقق نمی‌شود. وی اشاره می‌کند با اینکه عرب‌ها بیشترین ذخایر نفتی را در اختیار دارند و از موقعیت جغرافیایی مناسب و همچنین از نیروهای کارآمد برخوردارند، لیکن هنوز نتوانسته‌اند به توسعه پایدار دست یابند. تحقق توسعه پایدار بدون توسعه صنعت و استفاده از تکنولوژی نوین، ثبات سیاسی و همکاری کشورهای عربی با یکدیگر و کشورهای عربی با کشورهای صنعتی پیشرفته مانند ژاپن،

بررسی مفهوم امنیت قومی عرب مورد
بررسی دقیق قرار گرفته است. فصل
چهاردهم به امکانات سیاسی عربی پرداخته
است و موضوعاتی مانند مشکل مشروعیت
در بین برخی نظامهای سیاسی، رابطه میان
مردم و دولت، رابطه بین مسئله فلسطین و
مشروعیت دولتهای عربی و صلح و تأثیر آن
در روابط میان کشورهای عربی را مورد
بررسی قرار داده است. این امکانات در
مقابله با اسرائیل و نیل به راه حل مشکل
فلسطین تعیین کننده است؛ زیرا عدم
مشروعیت برخی از دولتها موجب شده که در
دفاع از حقوق فلسطینی ها و یا حتی حقوق
شهروندان، از موضع ضعف برخورد کنند.
فصل پانزدهم به موضوع ملت فلسطین
اختصاص دارد؛ در این فصل، موضوعاتی
چون میزان و رشد جمعیت در فلسطین،
هویت فلسطینی و جایگاه آن میان سایر
قومیتها و در ارتباط با حکومت، تحولات
جامعه فلسطین بعد از پیمان اسلو، وضعیت
فلسطینی ها در سرزمینهای اشغالی در سال
۱۹۴۸ و فلسطینی های مقیم خارج مورد
بررسی قرار گرفته است.

عملیات احداث شهرک در فلسطین

اشغالی، موضوع فصل شانزدهم است. در
این فصل اوضاع بیت المقدس و
شهرک نشینان کرانه باختری و نوار غزه با
استفاده از نقشه ها و جداول تفصیلی
بررسی می شود. علاوه بر آن، تأثیر روند
صلح و سازش با اسرائیل بر احداث شهرک
در کرانه باختری و غزه نیز مورد توجه قرار
گرفته است. در فصل هفدهم موضوع مبارزه
فلسطینی ها با اسرائیل و مقاومت ایشان
بررسی شده است که عناوینی مانند
واقعیات و امکانات جنبشهای مقاومت
فلسطینی، فعالیتهای ایشان - چه در داخل
فلسطین و چه در خارج - آینده این جنبشها
و احتمال وقوع جنگ داخلی فلسطینی و
تأثیر صلح در مقاومت و تداوم آن مورد
مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در فصل
هجدهم، شکل گیری حکومت خودگردان
در فلسطین و پیامدهای آن بررسی شده
است. فصل نوزدهم به نزاع عرب ها و
اسرائیل و جایگاه و پیامدهای آن در نظام
بین المللی پرداخته است. فصل بیستم به
موضوع مدیریت عربی و امکانات بین المللی
اختصاص دارد. موضوعاتی مانند روابط
عربی - آمریکایی، عرب ها و چین، عرب ها و

ژاپن بررسی و ارزیابی شده است. همچنین، به روابط عرب و همسایگان آن مانند ایران و ترکیه اشاره شده است. فصل بیست و یکم به مدیریت اسرائیل برای کسب امکانات بین المللی در مورد آمریکا، نقش گروه‌های فشار یهودی در آمریکا و اطلاع رسانی و فرهنگ رایج یهودی در آنجا و جایگاه سازمان‌های صهیونیستی و آینده ائتلاف میان اسرائیل و آمریکا پرداخته است. مطالعه

کتاب حاضر برای پژوهشگران و محققان و متخصصان خاورمیانه که درباره مسئله فلسطین و درگیری میان عرب و اسرائیل و امکانات هر دو طرف تحقیق می‌کنند و نیز برای درک بهتر آینده این تحولات و پیامدهای آن، بسیار ضروری به نظر می‌آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی